

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال ششم، شماره (۲۳)، پاییز ۱۳۹۶ صفحه‌های ۱۱۳-۱۳۷

تبیین وضعیت آینده بحران سوریه بر مبنای علل داخلی و عوامل بین‌المللی با تکیه بر مدل پژوهشی مایکل برچر

محمد حسین جمشیدی*

استادیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

افسانه سیفی ناجی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل منطقه خاورمیانه به صورت عام و کشور سوریه به صورت خاص، بحرانی است که در این کشور و در پی گسترش موج بیداری اسلامی از یکسو و شکل‌گیری و ورود گروه‌های سلفی - تکفیری همراه با مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای مانند امریکا و بازیگران منطقه‌ای چون عربستان سعودی و ترکیه به وجود آمده است. این بحران هم به لحاظ وسعت و زمان و هم به لحاظ نقش عوامل گوناگون داخلی و خارجی در آن یکی از عمیق‌ترین بحران‌های قرن محسوب می‌شود. تأثیرات بحران نیز بسیار فراگیر و گسترده بوده به گونه‌ای که جنبه جهانی و بین‌المللی به خود گرفته است. تأثیرات این بحران همراه با ریشه‌ها، ابعاد فراگیر و مراحل و روندهای آن، آینده چنین بحرانی را رقم می‌زند. بر همین مبنای، مسئله اصلی این پژوهش بررسی و تبیین وضعیت آینده بحران سوریه بر مبنای مدل برچر است. این نوشتار به روش کیفی به موضوع پرداخته و چهارچوب نظری پژوهش نیز مطالعه موردی بر اساس الگوی پژوهشی برچر و روش اجرای آن استفاده از داده‌های آن کتابخانه‌ای و اسنادی است. بر اساس یافته‌های این تحقیق در مرحله اول، عوامل داخلی همچون معضلات اقتصادی، محرومیت نسبی مردم سوریه، شکاف طایفه‌ای و قومی، مخالفت اهل تسنن با حاکمیت علویون و حزب بعث سوریه و پیدایی گروه‌های تکفیری، در کنار عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی منجر به بروز این بحران در سوریه شده است. این بحران در پی شدت یافتن حوادث و درگیری‌های سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ وارد مرحله دوم آن یعنی مرحله وخامت و اوج گرفتن بحران شده است. همچنین تحلیل این بحران مشخص کرد که سوءاستفاده گسترده تکفیری‌ها از منابع نفت و گاز با هدف انجام عملیات تروریستی و بحران آوارگان سوری منجر به کاهش قدرت دولت‌ها و شکل‌گیری هویت مخدوش اجتماعی در سوریه شده است که از جهات مختلف منجر به بسط تأثیرات منفی بحران در سطح جهان و بنابراین، بین‌المللی و فرسایشی شدن بحران شده است.

واژگان کلیدی: بحران سوریه، مدل برچر، گروه‌های تکفیری، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، خاورمیانه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۹/۴

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: jamshidi@modares.ac.ir

مقدمه

منطقه خاورمیانه در طی پنج سال اخیر شاهد رشد نابرابری‌های بسیاری در عرصه‌های متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است که از این میان با افزایش سطوح نارضایتی در تعدادی از کشورهای عربی، توده مردم دست به خیزشی برای تغییر وضع خود در جامعه زده و در فرآیند بیداری اسلامی در راستای تغییر نظام سیاسی کشورهای خود نقش‌آفرینی کردند. رسوخ این موج نارضایتی به کشور سوریه که با کارگران، روستاییان معترض، گروه‌های تروریستی در حال ریشه‌گیری و اقتصاد بیمار دست‌وپنجه نرم می‌کرد، منجر به تشدید اختلافات داخلی شده و همراه با ورود عناصر افراطی تکفیری و دخالت عوامل بیرونی، مقدمات ایجاد یک بحران خانمان‌سوز از سال ۲۰۱۱ در این کشور فراهم شد.

شایان‌ذکر است در خصوص شکل‌گیری بحران سوریه تحت تأثیر امواج جریان بیداری اسلامی استدلال‌هایی نیز از سوی کارشناسان مسائل بین‌الملل و سیاستمداران ارائه شده است. برای مثال در گام‌هایی که به وقوع یک بحران بین‌المللی ختم شد، علاوه بر نارضایتی مردمی نیز فعالان و روشنفکرانی به بحران دامن زدند که توسط قدرت‌های حاشیه خلیج فارس همچون عربستان سعودی و قطر حمایت می‌شدند. (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۳) زیرا پادشاهی سعودی بر این باور است که سوریه مسیری برای ورود ایران به دنیای عرب است و ایران از طریق سوریه توانسته است در معادلات فلسطین ایفای نقش کند؛ بنابراین، سوریه نه تنها در درگیری‌های خشونت‌آمیز با ارتش، بلکه در سیاست‌های مختلف بازیگران منطقه‌ای و بین‌الملل همچنان قربانی می‌شود. (جانسیز و بهرامی، ۱۳۹۳: ۷۹) در چنین شرایطی نیز بازیگران بین‌المللی همچون ایالات متحده آمریکا و اسرائیل با حمایت از جریان‌های مخالف دولت سوریه از تمام قوای خود برای کاهش قدرت محور مقاومت بهره می‌گیرند.

تمامی این موارد همراه با ریشه‌گیری اندیشه‌های تکفیری در سوریه در نهایت منجر به تشکیل گروه‌های سلفی همچون جبهه النصره، جبهه آزاد سوریه و از همه مهم‌تر گروه موسوم به دولت اسلامی شام و عراق (داعش) ISIS در کشور سوریه شد. با برآمدن داعش در سوریه و اعلام این گروه مبنی بر تشکیل «دولت اسلامی»، فصل جدیدی از تحرکات تروریستی در تاریخ روابط بین‌الملل گشوده شد. (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۳) این گروه تروریستی با اندیشه دست‌اندازی به دیگر کشورها با هدف واهی گسترش «اسلام واقعی» از یک سو و احیای خلافت اسلامی از سوی دیگر، دست به عملیات تروریستی خارج از سوریه و عراق مانند کشورهای فرانسه^۱، بلژیک^۲ و ترکیه^۳ زده است.

با پیشروی این بحران در کشورهای سوریه و عراق و همچنین گسترش عملیات تروریستی در دیگر نقاط جهان روبه‌روز نفوذ گروه‌های تروریستی در منطقه بیشتر شده و لزوم اقدام جدی برای کاهش این فاجعه حقوق بشری را پررنگ‌تر می‌کند. با توجه به رویدادهای تروریستی متعدد

و کشتار چندین هزار غیرنظامی و آواره شدن بیش از ۱۲ میلیون نفر (http://www.asriran.com/fa/news/427431) امروزه بحران سوریه بزرگ‌ترین بحران منطقه خاورمیانه بوده و اطلاع از مراحل شکل‌گیری و پیشروی این بحران با هدف شناخت همه‌جانبه و دقیق برای جمهوری اسلامی ایران ضرورتی راهبردی به نظر می‌رسد.

در مطالعه یک بحران بین‌المللی بهترین راه انتخاب مدلی هوشمند برای تجزیه و تحلیل بحران است تا بتوان به‌روشنی این بحران را تبیین کرده و مراحل آن را شرح داد. یکی از بهترین مدل‌های بررسی بحران‌های بین‌المللی در این خصوص مدل برچر Brecher Model است. مدل تحلیلی برچر یکی از مدل‌های تحلیل بحران‌های بین‌المللی محسوب می‌شود که در آن با پرداختن به مراحل وقوع یک بحران شامل مرحله پیدایش (دوره ماقبل بحران)، مرحله گسترش (وخامت بحران)، مرحله کاهش (پایان بحران) و همچنین تأثیرات بعد از بحران به درک جامعی از بحران دست می‌یابد و به‌این ترتیب، دولتمردان هر کشور می‌توانند با این اطلاعات به بهترین نحو در خصوص راهبردهای محتمل برای مواجهه با بحران مذکور تصمیم‌گیری کنند. (برچر، ۱۳۸۲: ۱۹۴) بنابراین، مسئله اصلی ما در این نوشتار تبیین مراحل بحران سوریه، ریشه‌های بحران و درک مرحله کنونی این بحران با توجه به شناخت علل بروز بحران است.

با توجه به اهمیت این بحران در منطقه و نقش پررنگ ایران در خاورمیانه به‌عنوان یکی از قدرت‌های برتر و یکی از کشورهای مورد هدف گروه‌های تکفیری، و با توجه به مسئله و مدل مورد بحث، سؤال اصلی پژوهش این است که بر مبنای مدل برچر، ریشه‌ها، علل داخلی و عوامل بین‌المللی وقوع بحران سوریه چیست و با توجه به این علل و عوامل وضعیت آینده این بحران چگونه قابل تبیین است؟ در پاسخ نیز فرضیه پژوهش این است که بحران سوریه در حال حاضر در پی شدت یافتن حوادث و درگیری‌های سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ در مرحله دوم یعنی اوج و وخامت بحران قرار دارد. بعلاوه، عواملی همچون معضلات اقتصادی، محرومیت نسبی مردم سوریه، شکاف طایفه‌ای و قومی، پیدایی گروه‌های تکفیری و ورود آن‌ها به جریان مبارزه، در کنار عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی منجر به بروز این بحران در سوریه شده است. از تأثیرات بین‌المللی این بحران نیز می‌توان به شکل‌گیری هویت مخدوش اجتماعی که در فرآیند تبلیغات شبکه‌های اجتماعی سراسر جهان منجر به شستشوی مغزی و جذب تعداد زیادی از نیروهای خارجی به ارتش این کشور شده است، بهره‌گیری از منافع نفت و گاز برای سرمایه‌گذاری و گسترش در عملیات تروریستی، بحران پناهندگان و کاهش قدرت دولت‌ها اشاره کرد.

این تحقیق به لحاظ روشی از نوع مطالعه موردی (بحران سوریه) بر اساس مدل یا الگوی پژوهشی برچر است که با روش پژوهشی کیفی و نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی صورت می‌گیرد. در راستای تأیید فرضیه تحقیق، مقدمات شکل‌گیری بحران سوریه، معرفی گروه‌های متخاصم و علل داخلی و خارجی بروز این بحران در راستای ارائه چهره شفاف‌تری از وضعیت بحران سوریه

و بررسی ریشه‌های آن مورد توجه قرار خواهد گرفت. بر همین مبنا، در این تحقیق مواردی همچون بررسی موردی بحران سوریه بر مبنای الگو و مدل پژوهشی برچر، تبیین وضعیت آینده بحران با توجه به مراحل آن در چهارچوب الگوی برچر و بررسی نقش عوامل بین‌المللی در استمرار و تداوم بحران، از جمله موارد نوآوری پژوهش است.

۱- چهارچوب نظری پژوهش

۱-۱- مدل پژوهشی مایکل برچر

برای شناسایی علل و عوامل ایجاد و استمرار یک بحران بین‌المللی باید از شاخص‌هایی مانند تهدید ارزش‌های بنیادی، انجام اقدامات قاطعانه و نمایش خصومت به صورت آشکار استفاده کرد. بحران در واقع واژه‌ای جهانی است که از هم‌گسیختگی و بی‌نظمی شرایط در منطقه‌ای جغرافیایی را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه بحران سوریه بحرانی در حال گذار بوده و نیاز به بررسی گام‌به‌گام بر مبنای عوامل شکل‌گیری و استمرار دارد؛ یکی از بهترین مدل‌های بررسی این بحران مدل مایکل برچر است. در مدل جامع مدیریت بحران، برچر در پاسخ به نارسایی‌های مفهومی بحران، دست به تحلیل علل وقوع بحران و عوامل تأثیرگذار در فرآیند یک بحران زد و در پی تعریف جدیدی از بحران برآمد و برای این کار ۳۲۳ بحران بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد. وی در مجموع به این نتیجه رسید که می‌توان یک بحران را هم بر اساس «بازیگر» و هم برحسب «نظام» بررسی کرد. (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۵) مدل شناسایی برچر بر مبنای چهار مرحله تحقق بحران یعنی مراحل یک بحران آن‌ها را پشت سر می‌گذارد، استوار است: این مراحل چهارگانه عبارت‌اند از: پیدایش، گسترش، کاهش و تأثیر. باید دانست که در مرحله پیدایش بر ریشه‌ها و عوامل وقوع یک بحران، در مرحله گسترش بر عوامل مداخله‌گر و کمکی در گسترش یک بحران، در مرحله کاهش بر نقش عوامل و بازیگران تأثیرگذار در یک بحران و در مرحله نهایی بر نتایج و پیامدهای آن تأکید می‌شود. در نتیجه این مسئله از مهم‌ترین نقاط قوت مدل برچر بوده و دلیل انتخاب ما برای بررسی موردی بحران سوریه است. البته از مهم‌ترین ایرادات وارده بر مدل برچر این است که وی تأثیرات را در چهارمین مرحله بحران مورد بررسی قرار داده است، درحالی‌که تأثیرات ناشی از وقوع یک بحران در تمامی مراحل بحران از لحظه آغاز آن تا فروکش شدن و خاتمه بحران مطرح است.

۱-۲- مراحل بحران بر مبنای مدل پژوهشی برچر

بر اساس نظریه بحران مایکل برچر هر بحرانی از چهار مرحله عبور می‌کند: پیدایش، گسترش، کاهش- پایان و بالاخره شرایط و تبعات پس از بحران. در اینجا با تشریح کلی این موارد مسائل

مربوط به بحران سوریه را مورد بررسی قرار خواهیم داد. بر اساس مدل مایکل برچر برای ارزیابی و بررسی هر بحران باید بر اساس روند زیر عمل کرد:

۱-۲-۱- پیدایش (دوره ماقبل بحران): در این مرحله گاهی یک کنش متقابل بیش از حد مجاز افزایش می‌یابد. معمولاً در جریان آغاز و شکل‌گیری بحران‌های بین‌المللی دو کشور درگیر هستند که با دشمنی با یکدیگر شرایط بحرانی را ایجاد می‌کنند. در این شرایط یکی یا هر دو تهدید را بالاتر از حد معمول دانسته و به آن پاسخ می‌دهند. (Brecher, 1979: 470)

۱-۲-۲- گسترش (اوج وخامت بحران): مرحله گسترش بحران در واقع مرحله‌ای است که وخامت اوضاع به بالاترین حد رسیده و حداکثر فشار روانی ایجاد می‌شود. در این مرحله شاخص گسترش، تغییر خشونت از سطح پایین به سطح بالا خواهد بود که به صورت حرکت از برخوردهای کم‌اهمیت به سوی برخوردهای جدی یا جنگ بین متخاصمان انجام خواهد گرفت. (Brecher, 1979: 470)

۱-۲-۳- کاهش (پایان بحران): مرحله کاهش یا پایان بحران زمانی شکل می‌گیرد که پیامدهای بحران برای متخاصمان یا سایر بازیگران شناخته شود. کاهش بحران از نظر دولت‌ها با بروز مؤلفه‌هایی چون از بین رفتن تهدید، فشار زمان و احتمال جنگ عملیاتی درک شده و این باور را برای طرف‌های درگیر در جنگ ایجاد می‌کند که در صورت ایجاد توافق برای پایان جنگ و بحران، طرف‌های متخاصم وضعیت بهتری پیدا خواهند کرد. (Brecher, 1979: 471); برچر، (۱۳۸۲: ۵۹)

۱-۲-۴- تأثیر (مابعد بحران): منظور از تأثیر بحران عواقب بعدی بحران و آثاری است که طرف‌های درگیر در جریان بحران بر جای گذاشته‌اند. در این حالت باید میراث به‌جامانده از بحران‌ها تبیین شود و مشخص شود که آیا این بحران تأثیری بر کاهش یا افزایش تنش بین طرف‌های درگیر جنگ داشته است یا خیر. (خبیری و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰)

از مزایای این بحران این است که با مطالعه مقایسه‌ای از مدل‌های بحران‌های بین‌المللی، با قرار دادن رویدادهای بحران سوریه در ظرف مدل مایکل برچر می‌توانیم به درک خوبی از ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری بحران، علل بروز وضعیت کنونی و استمرار بحران سوریه به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های بین‌المللی دست یابیم. از ضعف‌های این مدل نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که برچر نتوانسته میان عوامل داخلی و خارجی در بروز یک بحران ارتباط مناسبی برقرار کند و برای بحران‌هایی که هنوز به مرحله پایانی نرسیده‌اند، سیستم تحلیلی دقیقی برای پیش‌بینی آینده بحران طراحی نکرده است.

با توجه به مسئله تحقیق و فرضیه مورد نظر، موضوع بحران سوریه در یک قالب تحلیلی و با توجه به عوامل اصلی آن و بازیگران مهم و مؤثر، مرکب از نخستین مرحله پیدایش بحران سوریه (ریشه‌ها و عوامل بروز این بحران و گروه‌های تکفیری فعال در شکل‌گیری بحران شروع و سپس

مرحله گسترش بحران و در ادامه شرایط ورود به مرحله کاهش و در نهایت تأثیرات این بحران بیان می‌شود.

۲. مرحله اول: ریشه‌ها و پیدایش (دوره ماقبل بحران) ۱-۲- آغاز بحران

در تحلیل بحران بین‌المللی بر مبنای مدل برچر یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید مورد بررسی قرار بگیرد، دوره پیش از آغاز بحران یا عوامل شکل‌گیری بحران در سوریه است. تا بدین وسیله بتوانیم مسائلی را که به بروز بحران منجر شده‌اند را مورد بررسی قرار بدهیم. در این مرحله یکی از موضوعات مورد نظر بحث وجود یا عدم وجود تهدید است؛ زیرا گاهی یک کنش متقابل بیش از حد مجاز افزایش می‌یابد. معمولاً در جریان آغاز و شکل‌گیری بحران‌های بین‌المللی دو کشور درگیر هستند که با دشمنی با یکدیگر شرایط بحرانی را ایجاد می‌کنند. در این شرایط یکی یا هر دو تهدید را بالاتر از حد معمول دانسته و به آن پاسخ می‌دهند.

ولی در بحران سوریه بحث مانند سایر بحران‌های بین‌المللی بحرانی کلاسیک با حضور دو کشور درگیر نیست؛ در این بحران چندین نیروی جهادی متعارض و قدرت‌طلب وجود دارند که حداقل از یک دهه پیش از شروع ریشه کردن این بحران در سوریه گذشته است و هر کدام به‌گونه‌ای در تلاش برای افزایش قدرت خود در سوریه هستند.

در خصوص نقطه آغازین بحران سوریه نظرات متعددی وجود دارد. همان‌طور که در بالا اشاره شد عده‌ای از نظریه‌پردازان ریشه شکل‌گیری بحران سوریه را جنبش‌های بیداری اسلام در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌دانند که در پی مشکلات اقتصادی و معضلات سیاسی آغاز شد. (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) از سوی دیگر گروه دیگری از ناظران بین‌المللی اعتقاد دارند که حوادث رخ داده در سوریه بیش از آنکه منشأ داخلی داشته باشد، دارای سرچشمه خارجی است و مشکلات داخلی سوریه در راستای دخالت، رقابت و بهره‌برداری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد شده است. (Baroud, 2011:79) زیرا بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی هر کدام به دنبال منافع خاص خود بوده و اکثر این بازیگران با توجه به منافع و سیاست‌های خود در تلاش برای سقوط حکومت بشار اسد هستند. زیرا بازیگران از این طریق نه تنها می‌توانند حکومتی مدنظر خود در سوریه روی کار بیاورند، بلکه به دلیل رابطه نزدیک دولت سوریه و ایران، بازیگران استراتژیک منطقه مانند آمریکا و عربستان تلاش می‌کنند میزان نفوذ و قدرت ایران را در منطقه کاهش دهند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۹۸) و به این ترتیب با یک تیر چند نشان را هدف بگیرند. عطف به دخالت بازیگران منطقه‌ای که در ادامه سیاست‌های آن‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت، به نظر می‌رسد عامل نفوذ نیروهای بیگانه و خارجی عاملی مهم و بسیار تأثیرگذار در جریان روند شکل‌گیری بحران سوریه و سمت‌وسوی آن به شمار می‌رود.

با توجه به تمامی موارد مطرح، بهترین راه درک ریشه‌های بحران سوریه بررسی علل و عوامل بروز این بحران بین‌المللی است که ما آن‌ها را در دو بعد عوامل درونی و عوامل بیرونی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۲-۲-۲-۱ عوامل اقتصادی (علل درونی بحران)

می‌توان گفت سوریه از لحاظ اقتصادی در رده کشورهای فقیر جهان محسوب می‌شود. در این راستا بشار اسد در اوایل زمامداری خود برای حل مشکلات معیشتی و رفاهی مردم وعده‌های زیادی داد، ولی این وعده‌ها با توجه به مشکلات عمیق ساختاری در این کشور محقق نشد و هر روز شکاف طبقاتی و آمار بیکاری بین مردم سوریه تشدید شد. به همین دلیل می‌توان گفت یکی از دلایل بروز بحران سوریه محرومیت نسبی مردم این کشور است و به همین دلیل علت عدم رشد اقتصادی اکثریت مردم کشور سوریه را باید در سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد این کشور دانست.

در دهه ۶۰ میلادی قرن بیستم، بر اساس اصول اقتصاد سوسیالیستی حزب بعث، بسیاری از مؤسسات به مؤسسات ملی تبدیل شده و اقتصاد سیاسی نیز با هدف تحول مناطق محروم و طبقات ضعیف جامعه طراحی شده بود. این اصلاحات نظام مالکیت زمین در سوریه موجب شد تا برخی از بعضی‌های سوریه با رهبری علویان زمین‌های بزرگ متعلق به مالکان و تجار سنی را به تصرف در بیاورند. (امامی، ۱۳۷۶: ۱۴۷) این تحولات شکاف بین شیعه و سنی را ایجاد کرده و منجر به رنجش جامعه تسنن شد.

اما در دهه ۸۰ میلادی بر اثر بارندگی کم و همچنین قطع کمک‌های مالی کشورهای حوزه خلیج فارس به دلیل حمایت دولت سوریه از ایران، اقتصاد سوریه با بحران مواجه شد. البته در دوره بشار اسد برای بهبود وضعیت اقتصادی در بخش‌های همچون نفت، بانکداری، کشاورزی و تجارت سرمایه‌گذاری‌هایی صورت گرفت که در برخی از آن‌ها پیشرفت‌هایی حاصل شد، ولی در سال ۲۰۰۹ نرخ بیکاری در این کشور به ۲۰ درصد رسیده و در آن دوره بیش از سه و نیم میلیون نفر در سوریه بیکار بودند. (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۶۸)

بنابراین، می‌توان گفت عدم تحقق رفاه‌های اقتصادی در دوره بشار اسد، نبود شفافیت در سیستم اقتصادی سوریه، دخالت و کنترل دولت بر بخش‌های مختلف تجاری، مشکل مشروعیت دولت بشار در برابر سنی‌ها و ناشکیبایی دولت باعث شد مشکلات داخلی به سرعت از جنبش اجتماعی با ماهیت اصلاح طلبانه منحرف شده و به سمت جنگ داخلی و آشوب سوق یابد. (سردارنیا و کیانی، ۱۳۹۵: ۱۱۱)

۲-۲-۲- عوامل سیاسی

در شکل‌گیری بحران سوریه علاوه بر عواملی همچون موقعیت راهبردی و نظام سیاسی اقتدارگرای سوریه، می‌توان به عواملی نظیر شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی در این کشور و رشد اسلام‌گرایی افراطی اشاره کرد. (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) در یک بررسی کلی در خصوص علل سیاسی داخلی شکل‌گیری این بحران می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

• حمایت دولت سوریه از محور مقاومت؛

• مخالفت اهل تسنن با حزب بعث؛

• الحاد خاندان علوی از دید اسلام‌گرایان افراطی؛

• تشدید مخالفت متعارضان با نظام حاکم. (آجورلو، ۱۳۹۱: ۶۱)

در خصوص مشکلات سیاسی سوریه می‌توان گفت در جامعه سوریه با طولانی شدن درگیری‌های داخلی، اختلاف‌های مذهبی نیز افزایش یافت. با وجود اینکه در قانون اساسی سوریه تمامی اقوام و مذاهب اسلامی را به یک نگاه می‌بینند، ولی اهل تسنن خود را دارای حقوق مساوی سیاسی و اجتماعی با علوی‌ها نمی‌دانند. (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۷۱)

۲-۲-۳- عوامل اجتماعی و قومی

ریشه‌های مشکلات قومی و مذهبی سوریه که همپوشانی زیادی با ریشه‌ها و عوامل سیاسی دارد به تنوع قومی و تعدد مذهبی مردم این کشور بازمی‌گردد. در حال حاضر دوسوم از جمعیت کشور سوریه را مسلمانان اهل تسنن تشکیل می‌دهند. علویان، کردها، دروزی‌ها، ارمنی‌ها و مسیحیان از دیگر اقوام و مذاهب این کشور هستند که بیشترین میزان قدرت در اختیار علویان قرار دارد. (فرازمند، ۱۳۸۸: ۴۲)

جامعه سوریه چه در روستا و چه شهر بر اساس نظام خویشاوندی تباری مشتمل بر گروه‌های قومی، مذهبی و فرقه‌ای شکل گرفته است. در واقع در این نوع نظام اجتماعی وابسته به قوم افراد تعهداتی را نسبت به گروه قومی خود پیدا می‌کنند. در حال حاضر جمعیت سوریه متشکل از گروه‌های مذهبی و قومی متعدد است و ۹۰٫۳ درصد را نژاد عربی و ۹٫۷ درصد را نژاد کرد و ارمنی تشکیل می‌دهد. جمعیت سوریه از لحاظ مذهبی نیز ۶۵ درصد عرب سنی، ۱۲ درصد علوی، ۱۰ درصد مسیحی، ۹ درصد کرد سنی و ۳ درصد مابقی دروزی، اسماعیلی، ترکمن، آشوری و چرکسمی هستند. (El-Sibai and others, 2009: 73)

این تفاوت‌های مذهبی، زبانی و نژادی در بین قوم‌های مختلف موجب شده است تا هر گروه به اصول قبیله‌ای خود پایبند باشد و این تعلقات قومی یکی از ریشه‌های مهم بروز بحران در این کشور محسوب می‌شود.

۳-۲- عوامل بین‌المللی (بازیگران جهانی)

علاوه بر عوامل درونی مطرح شده، یکی از مهم‌ترین عوامل این بحران، مداخله و نقش‌آفرینی بازیگران بین‌المللی - اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای - است. بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی هرکدام با توجه به منافع ملی و سیاست‌های داخلی خویش به دنبال ورود در بحران و بهره‌برداری از آن هستند. زیرا این بازیگران از این طریق نه تنها می‌توانند حکومت مدنظر خود را در سوریه روی کار بیاورند، بلکه به دلیل رابطه نزدیک دولت سوریه و ایران، بازیگران استراتژیک مانند امریکا و عربستان تلاش می‌کنند میزان نفوذ و قدرت ایران را در منطقه کاهش دهند. (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۲)

۱-۳-۲- عوامل منطقه‌ای

در جریان بحران سوریه برخی از قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه از جمله کشورهای عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و اسرائیل در تلاش هستند تا با بهره‌گیری از پتانسیل‌های خود و همچنین با ایجاد ائتلاف با دیگران بازیگران در خاورمیانه و همچنین در سطح بین‌المللی از قدرت گرفتن رقیبان خود کاسته و میزان نفوذ خود را در منطقه افزایش دهند. این رقابت‌ها بین این قدرت‌ها منجر به جنگی نیابتی در خاورمیانه شده است. در این جنگ نیابتی هر کشور با توجه به منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت خود از یکی از طرف‌های درگیری حمایت کرده و سیاست‌های مختلفی را در برابر گروه مؤتلف خود در پیش می‌گیرد. به نظر می‌رسد نقش تأثیرگذار و نظامی برخی از کشورهای منطقه‌ای به صورت مستقیم و غیرمستقیم در درگیری‌های سوریه یک مانع کلی در به سرانجام رسیدن خواسته و مطالبات مردم سوریه محسوب می‌شود. ادامه این رقابت و درگیری قدرت‌های منطقه‌ای با شرایط پیش رو بی‌شک به سوریه و عراق محدود نشده و امکان گسترش این جنگ فرقه‌ای به برخی از دیگر کشورهای خاورمیانه وجود دارد. در ادامه این نوشتار با معرفی بازیگران مهم منطقه‌ای در جریان بحران سوریه به معرفی آن‌ها و توضیح اهداف این کشورها خواهیم پرداخت.

۲-۳-۲- عوامل فرامنطقه‌ای

در این زمینه برخی از تحلیل‌گران معتقدند رشد گروه‌های اسلام‌گرای افراطی معلول عدم رضایت مسلمانان از سیطره و تهاجم غرب بر جهان اسلام و بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی است. در واقع چنین موقعیتی در کشور سوریه به صورت ظهور گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال و خواهان سرکوب حکومت بشار اسد نمود پیدا کرده است. از جمله مهم‌ترین عوامل بین‌المللی بروز بحران سوریه حضور ایالات متحده امریکا در مراحل متعدد این بحران به دلایل سیاسی متعدد است:

- دخالت بازیگران بین‌المللی از جمله ایالات متحده امریکا در سیاست‌های داخلی سوریه؛
- تنفر مردم از امریکا به علت حمایت از اسرائیل؛
- حادثه یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱؛

• حمله آمریکا به کشورهای خاورمیانه و مقاومت اسلام‌گرایان رادیکال در مقابل این حوادث که موجب محبوبیت اسلام‌گرایی افراطی شد.

این در شرایطی است که آمریکا در راستای حفظ امنیت اسرائیل خواهان سوریه‌ای ضعیف و کم‌قدرت است؛ بنابراین، به‌محض بروز مشکلات درونی در سوریه کشورهایی که خواستار دولتی ضعیف بودند، سعی کردند متعارضان دولت سوریه را حمایت و تحریک کنند. در این شرایط تبلیغات رسانه‌ای به اوج رسیده و از سوی دیگر نیز شبکه‌های حوزه خلیج فارس تعارضات را تا حد ممکن بزرگنمایی کردند و به گسترش بحران دامن زدند.

از مهم‌ترین دلایل بیرونی بروز بحران سوریه می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

- جنبش‌های بیداری اسلامی در خاورمیانه؛
- نقش آفرینی عربستان و آمریکا برای جلوگیری از نفوذ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی ایران در منطقه؛

• تضعیف جبهه مقاومت از جانب آمریکا به نفع رژیم صهیونیستی؛ (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۹۸)

- همپوشانی منافع آمریکا، عربستان و ترکیه در خاورمیانه؛
 - تشدید مخالفت معارضان با نظام حاکم؛ (آجورلو، ۱۳۹۱: ۶۱)
 - نفوذ وهابیت در سوریه به رهبری عربستان سعودی. (موسوی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۲)
- سوریه از کشورهایی است که در منطقه استراتژیک خاورمیانه دارای موقعیتی راهبردی است؛ در این کشور تقابل و کنش سه عالم جغرافیا، قدرت و سیاست موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی این کشور شده است. سوریه قسمتی از سرزمین بزرگ شام است که با کشورهای قبرس، لبنان، فلسطین اشغالی، اردن، ترکیه و عراق هم‌مرز است. این کشور سال‌ها با دولت بعث عراق درگیر رقابت سیاسی و ایدئولوژیک در منطقه بوده است. همچنین سوریه بر سر موضوع کردها و مسائل جغرافیایی با ترکیه مناقشه داشته در جنگ هشت‌ساله ایران علیه عراق از جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده است. مهم‌ترین عارضه ژئوپلیتیک کشور سوریه این است که در کنار مرزهای فلسطین اشغالی، در قلب خاورمیانه ایستاده است. (نیاکویی، ۱۳۹۳: ۱۰۳)

سوریه از بازیگرانی است که با کشورهای حاشیه منطقه از سه طریق ارتباط داشته و در این ارتباط دارای اهمیت استراتژیک است:

- واقع شدن در منطقه استراتژیک و راهبردی خاورمیانه؛
- قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه؛
- برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و مرز مشترک با کشورهای حاشیه این منطقه.

سوریه از طریق خط لوله نفت در بندر بانیا، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تأمین می‌کند و از این راه در معادلات منطقه نیز نقش دارد. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل سوریه را «بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند. (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

۳. مرحله دوم: گسترش (وخامت) بحران ۳-۱- چگونگی گسترش بحران

در مرحله گسترش بحران که در حال حاضر بحران سوریه دقیقاً در این مرحله قرار دارد، با شکنندگی بسیار شدیدتر و نیز نوعی افزایش کیفی در احتمال بروز مخاصمه‌های نظامی مواجه هستیم. مرحله گسترش بحران در واقع مرحله‌ای است که وخامت اوضاع به بالاترین حد رسیده و حداکثر فشار روانی ایجاد می‌شود. در این مرحله شاخص گسترش، تغییر خشونت از سطح پایین به سطح بالا خواهد بود که به صورت حرکت از برخوردهای کم‌اهمیت به سوی برخوردهای جدی یا جنگ بین متخاصمان انجام خواهد گرفت. (برچر، ۱۳۸۲: ۵۷)

صاحب‌نظران مطالعات بحران‌ها در این مرحله بر واکنش‌های رهبران کشورها و شیوه‌های تصمیم‌گیری آن‌ها تمرکز ویژه‌ای دارند. در شرایط بحرانی رهبران باید بر سه عنصر «تهدید»، «زمان» و «غافلگیری» تمرکز داشته باشند. این مرحله در واقع بخشی است که در آن مدیریت بحران از اهمیت بالایی برخوردار است.

درواقع می‌توان گفت بحران داعش زمانی گسترش یافت که در آوریل سال ۲۰۱۳ ابوبکر بغدادی شکل‌گیری «حکومت اسلامی شام و عراق» را رسماً اعلام کرد. (Weis and Hassan, 2014:13)

شرایط در سوریه زمانی وخیم‌تر شد که گروه‌های رادیکال اسلامی مانند طالبان پاکستان، جندالخلافة در الجزایر، انصار بیت‌المقدس در مصر، بخش‌هایی از گروه امارت اسلامی در قفقاز و... بیعت خود را با دولت اسلامی البغدادی اعلام کردند. (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۵) این گروه پس از چاپ سکه، ایجاد شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و ثبت هویت شروع به «تهدید» کشورهای جهان کرد و ابومحمد عدنانی سخنگوی داعش در تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که داعش قصد دارد ایران را به باتلاقی از خون تبدیل کند و ایران بدترین دشمن داعش است. آن‌ها همچنین با توجه به تلاش برای تکمیل مثلث بحران دست به اقدامات غافلگیرکننده تروریستی در سراسر جهان می‌زنند تا با این هدف وحشت جهانی را برای افزایش قدرت خود در سراسر دنیا حکم‌فرما کنند. (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

مقامات داعش در مجله داخلی خود با نام «دبیق» بر اهمیت عنصر «زمان» برای تسخیر ممالک مدنظر خود تأکید کرده‌اند. این گروه تروریستی که نام دولت بر خود نهاده است، براندازی دولت بشار اسد را بخش کوچکی از برنامه خود دانسته و با زمان‌بندی دقیق برای به خاک و خون

کشیدن کشورهای اروپایی و ایران و همچنین تصرف کامل سوریه و عراق در حال برنامه‌ریزی است.

به فاصله پنج سال از جرقه‌های اولیه بحران سوریه در مرحله کنونی «تهدید» گروه‌های تکفیری به خصوص داعش و عملیات متناوب تروریستی که با تلاش برای به نتیجه رساندن در کوتاه‌ترین «زمان» در عملیات «غافلگیرانه» انتحاری انجام می‌شود، به حداکثر رسیده و بر میزان نگرانی‌های بین‌المللی برای مقابله با این بحران پیچیده افزوده است. در این راستا، گروه‌های تکفیری که در حال حاضر در سوریه فعالیت می‌کنند مهم‌ترین عوامل گسترش‌دهنده بحران سوریه بودند.

۲-۳- گروه‌های متخاصم در بحران سوریه

یکی از گروه‌های تکفیری بنیادگرایی سوریه جبهه النصره است. جبهه النصره مورد حمایت عربستان و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بوده و هسته‌های مختلفی را برای مبارزه در سوریه ایجاد کرده است. اولین حضور النصره در بحران سوریه به اوایل سال ۲۰۱۲ بازمی‌گردد و از آن زمان تاکنون این گروه به یکی از سازمان یافته‌ترین و مجهزترین گروه‌های شورش‌گر علیه رژیم بشار اسد تبدیل شده است. (نصر، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

دومین گروه سلفی حاضر در سوریه، جبهه اسلامی سوریه است که از مهمترین گروه‌های سلفی داخلی در سوریه به شمار می‌رود. این گروه در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳ از ترکیب گروه‌های نظامی و رهبران سلفی از جمله گروه احرار الشام، جیش الاسلام و سایر گروه‌ها از جمله جبهه التوحید تشکیل شده است که بزرگترین ائتلاف نیروهای سلفی جهادی در سوریه به شمار می‌آید. جبهه اسلامی بر خلاف سایر جریان‌های نئوسلفیسم خارجی ائتلاف و همکاری با دیگر گروه‌های جهادی را تحریم یا منع نمی‌کند. در همین راستا گروه الجبهه الاسلامیه که به تازگی اعلام موجودیت کرده، از ادغام هفت گروه لواء التوحید^۴، احرار الشام^۵، لواء الصقور الشام^۶، لواء الحق^۷، انصار الشام^۸ و جیش الاسلام^۹، گروه کردی جبهه الاسلامیه کردیه^{۱۰} در سوریه تشکیل شده است. اغلب عناصر جبهه اسلامی دارای تابعیت سوری هستند و سرکردگان آن مانند «زهران علوش» سوری و از اهالی «دوما» یا «احمد الشیخ» از اهالی جبل الزوایه است، به همین دلیل تا حدودی برای سوری‌ها، دست کم برای اهالی مناطقتشان شناخته شده هستند.

دولت اسلامی شام و عراق یا داعش نیز گروهی منشعب از القاعده هستند که در اوایل شکل‌گیری از لحاظ اصول فکری رویکرد یکسانی با این گروه داشت. با این تفاوت که داعش نسبت به القاعده رفتارهای خشونت‌آمیزتری را در پیش گرفته و با افکار رادیکال خود به یکی از مخوف‌ترین گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه تبدیل شده است. اگرچه داعش با بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ و منازعات منطقه‌ای شناخته‌شده. نطفه شکل‌گیری این گروه در اکتبر سال ۲۰۰۶ توسط ابومصعب الزرقاوی شکل گرفت. پس از مرگ وی ابوعمر البغدادی هدایت گروه را در دست گرفت که مدتی بعد در جریان درگیری‌های مسلحانه در منطقه الغزالیه عراق کشته

شد و جانشین او ابوبکر بغدادی فرماندهی گروه داعش شد. در حقیقت داعش یکی از جریانات برساخته وهابیت بر مبنای تفکر سلفی است. ایدئولوژی داعش، ایدئولوژی سلف صالح است و در عرصه سیاست در پی احیای خلافت با بکارگیری خشونت و افراط‌گری می‌باشد. می‌توان گفت نگرانی بغدادی از قدرت گرفتن گروه‌های تکفیری رقیب منجر شد تا شاخه داعش در سوریه تشکل شود.

۳-۳- نقش عوامل خارجی در گسترش بحران

به‌طورکلی، با دخالت نیروهای خارجی در بحران سوریه، این کشور دچار بی‌ثباتی، هرج و مرج، جنگ قومی و مذهبی شده و محیط داخل کشور برای گروه‌های تکفیری، تندرو و افراطی نظیر داعش و دیگر گروه‌های درگیر در صحنه مبارزه فراهم شد. (التیامی‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۰) در این خصوص می‌توان گفت که ایالات متحده آمریکا یکی از بازیگران مهم تأثیرگذار بین‌المللی در جریان بحران سوریه است. از جمله دلایل آمریکا برای حضور در بحران سوریه و خاورمیانه به شرح زیر است:

۱. تضمین جریان انرژی به سوی غرب؛
 ۲. تأمین و تضمین منافع اسرائیل؛
 ۳. مقابله یا حداقل کنترل کشورهای مخالف آمریکا؛
 ۴. پیشبرد فرآیند صلح خاورمیانه؛
 ۵. ستیز با اسلام سیاسی با عنوان مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی؛
 ۶. گسترش فرهنگ آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی؛
 ۷. ایجاد بازار آزاد و سکولاریسم در منطقه. (جوادی فتح، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۷)
- حضور و ایفای نقش آمریکا در بحران از سویی باعث گسترش بحران شده و از سوی دیگر زمینه فرسایشی شدن آن را فراهم آورده است.

از سوی دیگر دولت روسیه بحران سوریه را یک مشکل راهبردی و جدی تلقی می‌کند که باید پایان یابد، زیرا در صورت ادامه آن کشورهای غرب، عربستان و ترکیه منتفع خواهند شد. با توجه به این ملاحظات فدراسیون روسیه این کشور با یک توافق بین‌المللی برای پایان جنگ و حل و فصل موضوعات در این منطقه موافق است. (منصوری، ۱۳۹۲: ۱۸۳) عربستان سعودی نیز در جریان درگیری‌ها، پشتیبان مالی و فکری گروه‌های سلفی و وهابی تندرو بوده است. این کشور در جهت پیشبرد منافع خود نگاهی ایدئولوژیک به سوریه دارد و گزارش‌های رسیده حاکی از نقش مهم عربستان سعودی در پشتیبانی مالی مخالفان حکومت سوریه به‌خصوص گروه‌های سلفی رادیکال است. (<http://www.taghribnews.com/vdcgwy9xwak97t4.rpra.html>)

بنابراین، انتظار می‌رود عربستان سعودی که یکی از قدرت‌های درجه دوم منطقه‌ای است در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، قدرت ایران را به چالش بکشد و همگام با ایالات متحده آمریکا استراتژی‌های مشابهی را در پیش بگیرد. ترکیه نیز در تلاش برای حمایت از تغییر دولت سوریه امیدوار است موقعیت منطقه‌ای خود را در آینده بهبود ببخشد و از تنگنای شدید جغرافیایی رها شود.

در نهایت نیز اسرائیل در کنگره آمریکا هنوز دست به لابی سرسختانه برای ورود ایالات متحده به جنگ با سوریه برای سرنگونی حکومت بشار اسد نزده است و خواستار از بین بردن سلاح‌های شیمیایی سوریه و حمایت اندک از گروه‌های معترضش سوری با هدف طولانی شدن جنگ در سوریه است. زیرا با طولانی شدن درگیری‌ها نیروی نظامی کل کشور تحلیل می‌رود و سوریه به ویرانه‌ای تمام‌عیار مبدل خواهد شد. در این شرایط سوریه باید پس از بحران تا سال‌ها دست به بازسازی زده و چندین دهه هزینه کند و این مسئله به معنی سوری‌های بدون تهدید و ضعیف است که این شرایط به بهترین وجه اهداف اسرائیل را تأمین خواهد کرد. (پورحسین، ۱۳۹۱: ۳۴) در ادامه تأثیر گروه‌های تکفیری بر فرآیند بحران سوریه و همچنین تأثیرات دخالت نیروهای بیرونی بر فرآیند بحران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۳- تأثیر گروه‌های تکفیری بر روند بحران سوریه

در حال حاضر مهم‌ترین گروه تکفیری که نقش اصلی را در جریان بحران سوریه بر عهده دارد دولت اسلامی عراق و شام یا داعش است. این گروه تروریستی مسئول نابودی جان هزاران غیرنظامی بی‌گناه عراقی و سوری است که با حمایت کشورهای غربی و عربستان، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد به رهبری ابومصعب الزرقاوی و ابو عمر بغدادی تأسیس شده و در حال حاضر تحت رهبر ابوبکر البغدادی قرار دارد. بغدادی از زمانی که ریاست این گروه تکفیری را بر عهده گرفت، توانست چندین شهر عراق و سوریه را با تصرف کند. در واقع رؤیایی که داعش در سر می‌پروراند ایجاد امپراتوری بزرگی است که بتواند از طریق امپراتوری تأسیس شده در منطقه خاورمیانه به دیگر قدرت‌های منطقه مانند ایران و همچنین دیگر مناطق جهان حمله کند.

در سال ۲۰۱۴، بعد از اینکه زرقاوی موفقیت‌های مهم نظامی در فلوجه به دست آورد، نام دولت اسلامی را رسماً برگزیده و هم‌زمان جنگ و درگیری با نیروهای دولت سوریه و همچنین گروه‌های شورشی سوریه را آغاز کرد. داعش در ابتدای فعالیت خود تحت لوای دولت اسلامی رقیب اصلی گروه‌های شورشی در سوریه بوده و در سال ۲۰۱۴ در بسیاری از میدان‌های جنگ و درگیری در سوریه شکست خورد. تا ماه مارچ ۲۰۱۴ با توجه به نتایج نامیدکننده داعش در سوریه، رهبران این گروه تکفیری برای دوره‌ای مرکزیت فعالیت‌های تروریستی خود را به کشور عراق منتقل کردند. داعش در عراق چندین حمله ناموفق برای تسلط بر شهر سامرا داشته و همچنین توانست موصل، تکریت، و تل عفار را تصرف کند.

در برابر اقدامات شورشی داعش در سوریه، ارتش آزاد سوریه، ارتش مجاهدین سوریه و همچنین جبهه النصره در حلب و استان ادلب به داعش حمله می‌کردند. این درگیری و کشمکش همچنان ادامه داشت تا اینکه در تاریخ هشتم ژانویه ۲۰۱۴، شورشیان سوریه تقریباً بیشتر نیروهای داعش را از حلب بیرون کرده و تا اواسط ماه ژانویه حلب از وجود نیروهای داعش پاک شد. یکی از بزرگ‌ترین سنگران داعش در جریان بحران ایجادشده در منطقه خاورمیانه شهر راکا بود؛ شورشیان سوریه در تاریخ ششم ژانویه ۲۰۱۴ وارد این شهر شدند و در فاصله چند روز راکا را از دست داعش خارج کردند، اما در نهایت داعشیان توانستند منطقه را به کنترل خود دریاورند. در تاریخ نهم ژوئن ۲۰۱۴، شهر موصل به دست عراق سقوط کرد و در پی این سقوط کنترل ادارات دولتی، فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های پلیس به دست داعش افتاد. این گروه تکفیری بانک‌های مرکزی را غارت کرده و بیش از ۴۰۰ میلیون دلار را به سرقت برد. این شهر برای داعشیان اهمیت بالایی داشت، زیرا موصل یک تقاطع بین عراق و سوریه محسوب شده و همچنین تولید نفت به یکی از بزرگ‌ترین منابع درآمدی داعش تبدیل شده است.

در پی سقوط موصل، دو روز بعد نیروهای داعش به کنسولگری ترکیه حمله کرده و رئیس اداره دیپلماتیک ترکیه به همراه چند نفر از کارکنان این کشور ربوده شدند. به این ترتیب، نیروهای داعش با گسترش حملات خود تکریت را نیز اشغال کردند و وبسایت‌های رسمی داعش و همچنین دیگر منابع رسانه‌ای آن‌ها از وحشی‌گری‌های این گروه تروریستی تصاویر و ویدئوهایی را منتشر کرد که در این تصویر با پرداختن به تصاویر اعدام نیروها و مردم وحشت‌جهانی را نسبت به حرکات وحشیانه خود برانگیخت. داعش در جریان این اقدامات هدفمند و همچنین تبلیغات رسانه‌ای خود ادعا می‌کند که ۱۷۰۰ سرباز عراقی را در یک روز در شهر تل عفار نینوا اعدام کرده است.

تأکید داعش بر آموزش‌ها و قوانین سختگیرانه دین اسلام که تفسیر آن‌ها از قوانین مطرح شده بود منشأ اصلی اختلاف این گروه با جبهه النصره شد و حتی ایمن الظواهری به یکی از مخالفان داعش تبدیل شد. در این خصوص ایمن التمیمی، کارشناس فرقه‌ها و گروه‌های نظامی عراق و سوریه عنوان می‌کند که گروه‌های نظامی داعش شامل جنگجویان قدیمی و کهنه‌کار عراقی، افریقای شمالی، کشورهای حاشیه خلیج فارس و اروپا می‌شوند. یکی از نکات تعجب‌برانگیز در مورد نیروهای داعش بین‌المللی بودن آن‌ها و پیوستن نیروهای بسیاری از کشورهای اروپایی است. در واقع از مهم‌ترین فرمانروایان داعش فردی از کشور چین بوده که «عمر الشیسانی» نام دارد. در این خصوص التمیمی می‌گوید این افراد از لحاظ ایده و همچنین ایدئولوژی روشنفکرتر و منعطف‌تر هستند. در آیین داعش موسیقی ممنوع است، در میان داعشیان مسیحیان مجبور به پرداختن مالیات بوده و افراد مدنظر داعشیان باید در میدان‌های اصلی شهر اعدام شوند. (Research unit of umaa-advocacy, 2014: 5-46) از مهم‌ترین تأثیرات گروه‌های تکفیری بر

کشور سوریه نیز قتل‌عام هزاران مسلمان غیرنظامی و بی‌گناه، ایجاد ناامنی در عرصه بین‌المللی با عملیات تروریستی و آوارگی ۱۲ میلیون سوری است. (5: Vinatier, 2014)

۴. تبیین آینده بحران بر مبنای مرحله سوم مدل برچر ۱-۴- کاهش شدت بحران و راهکار

مرحله سوم بحران که نقطه‌های آغازین آن هم‌اکنون آشکار شده است، مرحله کاهش شعله‌های بحران است که یا می‌تواند بحران را فرسایشی کرده یا آن را به سمت افول سوق دهد. مرحله کاهش یا تحلیل بحران زمانی شکل می‌گیرد که پیامدهای بحران برای متخاصمان یا سایر بازیگران روشن شود. کاهش بحران از نظر دولت‌ها با بروز مؤلفه‌هایی چون از بین رفتن تهدید، فشار زمان و احتمال جنگ عملیاتی درک شده و این باور را برای طرف‌های درگیر در جنگ ایجاد می‌کند که در صورت ایجاد توافق برای پایان جنگ و بحران، طرف‌های متخاصم وضعیت بهتری پیدا خواهند کرد. (برچر، ۱۳۸۲: ۵۹)

این حالت که در حال حاضر بسیاری از گروه‌های میانجی‌گر بین‌المللی از جمله چهره‌های سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی در تلاش هستند تا سران گروه‌های درگیری در سوریه را پای میز مذاکره بنشانند، در شرایط خاصی به وقوع خواهد پیوست که رضایت همه آن‌ها تأمین شود یا به نوعی در قدرت و آینده حکومت سوریه سهیم باشند. طرفین یک بحران زمانی به پای میز مذاکره می‌نشینند که سود مورد انتظار از ادامه جنگ کمتر از فایده مورد انتظار از حل و فصل بحران و همچنین آتش‌بس باشد.

در شرایطی که پیامدهای منفی بحران سوریه روزبه‌روز افزایش می‌یابد و کشورهای بیشتری را درگیر می‌کند، راه‌های متعددی را می‌توان برای حل و فصل منازعات سیاسی در نظر گرفت. در این رابطه کی. جی. هالستی شش راه را برای حل و فصل بحران‌های بین‌المللی پیشنهاد می‌دهد که این راه‌ها عبارت‌اند از:

۱. احتراز یا عقب‌نشینی داوطلبانه؛
 ۲. غلبه خشونت‌آمیز؛
 ۳. تسلیم یا عقب‌نشینی اجباری ناشی از تهدید جهت به‌کارگیری زور؛
 ۴. سازش؛
 ۵. حکمیت یا ارجاع منازعه به داور؛
 ۶. حل و فصل منفعلانه یا تسلیم در برابر وضعیت موجود جدید بدون توافق رسمی.
- در خصوص بحران سوریه می‌توان گفت این بحران تا زمان خاموش نشدن شعله‌های درگیری داعش در سوریه و عراق کمرنگ نخواهد شد. کاهش بحران ممکن است در کوتاه‌مدت یا درازمدت از طریق چانه‌زنی مستقیم، مداخله طرف ثابت، و اعمال قدرت نظامی برتر یکی از

طرفین تحقق پیدا کند. (برچر، ۱۳۸۲: ۲۹۰) در بحران سوریه به نظر می‌رسد نیروهای متخاصم باید با میانجی‌گری قدرت‌های منطقه و سازمان‌های بین‌المللی پای میز مذاکره نشسته و به تحرکات نظامی علیه یکدیگر پایان دهند. کاری که نمونه آن نشست‌های آستانه-از بهمن ۱۳۹۵ به بعد- یا اجلاس سه‌جانبه بغداد است.

همچنین پیش‌ازاین‌ها، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ دوم آذرماه ۱۳۹۴ در مقاله‌ای که در روزنامه لبنانی *السفیر* منتشر کرد با اعلام آمادگی ایران به میانجی‌گری و کمک به پایان بحران سوریه اعلام کرد که سیاست جمهوری اسلامی ایران احترام به مطالبات و اراده ملت سوریه در تعیین سرنوشت، مدیریت، تعدیل و اصلاح امور به دست خود و مخالفت با استفاده از تروریسم به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی در درگیری‌های داخلی کشورها است: «گام نخست در مسیر حل بحران سوریه، برقراری آتش‌بس فوری و پایان دادن به خونریزی، هماهنگی همه‌جانبه بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی است و این گام شرایط را برای برداشتن گام‌های موازی بعدی هموار می‌کند. همچنین بازیگران خارجی به جای تلاش برای مداخله و تحمیل دیکته‌های خود، باید ضمن رویارویی بدون پیش‌شرط علیه گروه‌های تروریستی تکفیری شناخته‌شده، به حکومت و مخالفان سوری کمک کنند تا فرآیند گفت‌وگوی سوری - سوری را شروع کنند و گام‌های نخستین را برای توافق سیاسی با هدف تحقق آشتی ملی و حرکت به سوی خروج از بحران کنونی با توسل به آرا و افکار عمومی ملت سوریه بردارند.» (<http://www.mfa.gov.ir/index.aspx?fkeyid/367789>) به نظر می‌رسد با بنیان‌های سیاست خارجی ایران توجه به که مبتنی بر تأمین صلح و امنیت، جلوگیری از تعرض به آب‌وخاک و سیستم سیاسی تعاملی برای کاهش درگیری‌های بین‌المللی است، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در ریشه‌کن کردن بحران تروریسم تکفیری در سوریه، یکی از بازیگران تأثیرگذار بین‌المللی و منطقه‌ای باشد.

۲-۴- تأثیرات بحران

منظور از تأثیر بحران عواقب بعدی بحران و آثاری است که طرف‌های درگیر در جریان بحران بر جای گذاشته‌اند. در این حالت باید میراث به‌جامانده از بحران‌ها تبیین شود و مشخص شود که آیا این بحران تأثیری بر کاهش یا افزایش تنش بین طرف‌های درگیر جنگ داشته است یا خیر، ولی با توجه به اینکه بحران سوریه هنوز در نقطه اوج بوده و متأسفانه حملات تروریستی و آمار پناهندگان سوریه روند رو به رشدی را طی می‌کند، به نظر می‌رسد کاهش شدت بحران و کم شدن حجم حملات و تعداد پناهندگان در آینده‌ای نزدیک و قابل‌پیش‌بینی اتفاق نیفتد. در خصوص آثار بحران سوریه بدون تردید می‌توان بحران آوارگان را یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های دهه‌های اخیر دانست.

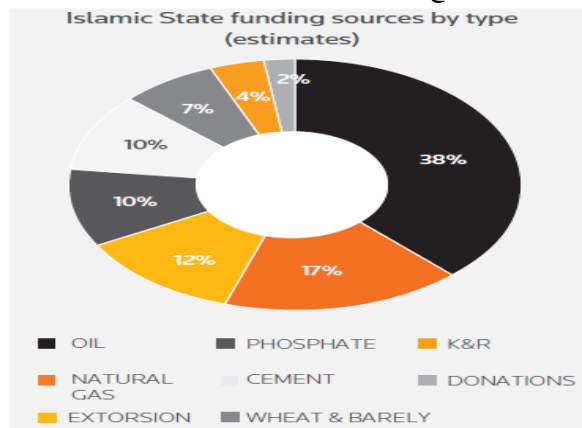
۱-۲-۴- بحران آوارگان

یکی از مهم‌ترین تأثیرات بحران سوریه روند رو به رشد آوارگان است که خود به یکی از مشکلات و بحران‌های نگران‌کننده بین‌المللی تبدیل شده است. آمار و ارقام منتشرشده از بحران سوریه نشان می‌دهد که تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر در جریان بحران سوریه کشته شده‌اند و بیش از ۱۲ میلیون نفر از جمعیت این کشور در اثر جنگ خانه خود را ترک کرده‌اند. یعنی آواره شده‌اند. همچنین از این تعداد بیش از هشت میلیون سوری مجبور به ترک کشور و پناهندگی و آوارگی در کشورهای مجاور شده‌اند. موج مهاجرت آوارگان سوری به کشورهای اروپایی و فاجعه غرق شدن کشتی حامل این آوارگان در آب‌های حذفاصل ترکیه و یونان، مقامات اروپایی را نگران افزایش روند مهاجرت پناهجویان کرده است. (زارعان، ۱۳۹۴: ۶)

این آمار و ارقام رو به افزایش نشان‌دهنده وخیم بودن اوضاع این بحران بوده که ضرورت اتخاذ تصمیم از جانب رهبران گروه‌های متخاصم را نشان می‌دهد. بر این اساس شناخت هر چه بهتر اجزای بحران به پژوهشگران و مشاوران بین‌الملل این اجازه را می‌دهد که بتوانند عقلانی‌ترین راهکارهای پایان بحران را آینده‌نگری کرده و پیشنهاد دهند.

۲-۲-۴- بهره‌گیری از منابع نفت و گاز برای عملیات تروریستی

از تأثیرات مهم این بحران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان به سوءاستفاده گروه‌های تکفیری از جمله داعش از منابع نفت و گاز اشاره کرد. در حال حاضر برخی از پالایشگاه‌های نفت و پتروشیمی سوریه و عراق در منطقه تحت تمرکز داعش قرار دارد و کارخانه‌های فسفات و اسیدسولفوریک نیز که از جمله کارخانه‌های بزرگ صنعتی در منطقه هستند در اختیار این نیروهای تروریستی قرار گرفته است (حاتمی، ۱۳۹۴: ۷). در جدول زیر می‌توانید منابع مالی داعش و نحوه دستیابی به این منابع را مشاهده کنید:



“Islamic State militants grab new weapon – Iraqi wheat”, Reuters, August 13, 2014

بر اساس آنچه در جدول مشاهده می‌کنید، بالغ بر ۳۸ درصد درآمدهای داعش از راه فروش نفت تأمین می‌شود که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است و ۱۷ درصد نیز به استخراج گاز طبیعی اختصاص دارد. به این ترتیب، ۵۵ درصد از درآمدهای این گروه تکفیری به نفت و گاز اختصاص دارد. در کنار آن ۱۲ درصد از درآمدها از راه اخاذی کسب می‌شود که در این زمینه نیز می‌توان به گروگان‌گیری‌های داعش و اخاذی از دولت‌های مختلف و خانواده‌های این افراد برای بازگرداندن نیروهای گروگان‌گیری شده اشاره کرد که این اقدام نیز درآمدزایی زیادی برای داعش داشته است. از منابع قابل توجه درآمدزایی داعش می‌توان به منابع فسفات و سیمان اشاره کرد که هرکدام ۱۰ درصد از درآمدزایی این گروه تروریستی را به خود اختصاص داده است. در نهایت نیز ۷ درصد از درآمدزایی به منابع گندم و جو، ۴ درصد به منابع K&R و ۲ درصد نیز به مبالغ اهدایی حامیان مالی داعش اختصاص یافته است.

۳-۲-۴- هویت مخدوش اجتماعی

علاوه بر این از مهم‌ترین تأثیرات بحران سوریه و گسترش عملیات داعش می‌توان به شکل‌گیری هویت اجتماعی مخدوش داعش در منطقه اشاره کرد که در کانون جهانی‌شدن مورد توجه بین‌المللی قرار گرفته است. شکل‌گیری هویت بنیادگرا در واقع پاسخی به هویت «خود» است؛ از این جهت گروه‌های بنیادگرای سنی مذهب یا سلفی‌ها که عمدتاً بر مبنای معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی بر ظاهرگرایی و سلف صالح باور دارند، در برابر این کثرت انشعاب دینی مقاومت کرده و آن را به عنوان تهدید مذهبی می‌پندارند. از این جهت اقدام به مقابله و رادیکال شدن می‌کنند که در قالب تئوری‌های جهاد و جنگ مذهبی رخ می‌نماید. (حاتمی، ۱۳۹۵: ۱۲) به این ترتیب، هویتی مخدوش و غیرقابل انعطاف شکل می‌گیرد که برای خالص کردن ریشه مذهبی تکفیری و سلفی هر نوع خشونت را در راه دین خود ساخته مجاز می‌شمرد.

با توجه به عواملی نظیر سرخوردگی اجتماعی از نظام سرمایه‌داری و تقلیل هویت انسان در بستر آموزه‌های مدرنیته، عده زیادی در نقاط مختلف جهان علی‌الخصوص کشورهای غربی به داعش پیوسته‌اند و در برابر دولت‌های منطقه و همچنین دولت‌های غربی قرار گرفته‌اند. (Kfir, 2015: 240)

۴-۲-۴- کاهش قدرت نفوذ دولت‌ها

شایان ذکر است از دیگر تأثیرات منفی فعالیت گروه‌های تکفیری همچون داعش در منطقه خاورمیانه کاهش قدرت نفوذ دولت‌ها است. در دنیای امروزی دیگر دولت‌ها قدرت بلامناع در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی نیستند، گردش مالی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی اغلب توسط شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شود. امروزه حتی کنترل تسلیحات نیز در اختیار دولت‌ها نبوده و

فعالیت‌های عظیم قاچاق اسلحه، انسان و مواد مخدر منجر به بروز نگرانی‌های عظیم برای دولت‌ها شده است. به همین دلیل شکل‌گیری داعش به‌عنوان یک سازمان تروریستی در منطقه خاورمیانه خود ناشی از تضعیف و کاهش قدرت دولت‌های منطقه است که سالیان سال با قدرت نظامی و اقتدار حکومت کرده‌اند. با رشد و گسترش داعش در منطقه و ریشه گرفتن گروه‌های بنیادگرای تروریستی قدرت دولت سوریه نیز کاهش یافته و از سوی دیگر دولت عراق نیز با کاهش قدرت چشمگیری روبرو شده است. (حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۳)

نتیجه‌گیری

هدف این نوشتار تحلیل بحران سوریه بر اساس مراحل آن با تکیه بر مدل برچر است. بحران سوریه با توجه به ورود و ایفای نقش عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل به یک بحران بین‌المللی و فرسایشی شده است. بین‌المللی شدن آن نه تنها حاصل دخالت قدرت‌های بزرگ که همراه با آن ورود عوامل داخلی آن به اقدام در صحنه بین‌المللی است. در این خصوص، یکی از عوامل اصلی بحران، یعنی گروه‌های تکفیری و افراطی هر روز گوشه‌ای از جهان را با حملات وحشیانه تروریستی تحت تأثیر قرار داده و فرآیند ناامنی به رو رشدی را در سراسر جهان ایجاد می‌کنند. همچنین هسته اصلی این بحران اقدامات گروه داعش است که با بهره‌گیری از شیوه‌های تبلیغات رسانه‌ای توانسته است در سراسر جهان مطرح شده و تهدیدات سنتی منطقه‌ای را به رشته‌ای از تهدیدات نوین جهانی تبدیل کند که مطالعات امنیتی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. بر مبنای یافته‌های تحقیق بحران سوریه تاکنون دو مرحله اصلی را پشت سر گذاشته است:

مرحله اول پیدایش و شکل‌گیری بحران است که متوجه ریشه‌های اصلی و اولیه ایجاد بحران است. در این مرحله دو دسته عوامل درونی شامل عوامل اقتصادی (فقر و مشکلات معیشتی مردم، محرومیت نسبی عموم، اقتصاد ناکارآمد، بیکاری، نبود شفافیت در سیستم اقتصادی سوریه و دخالت و کنترل دولت بر بخش‌های مختلف تجاری)، سیاسی (حمایت دولت سوریه از محور مقاومت، مخالفت اهل تسنن با حاکمیت علویون و حزب بعث سوریه، تک‌حزبی بودن حاکمیت سوریه، عدم برگزاری انتخابات آزاد در سوریه، فشار دستگاه‌های امنیتی در سوریه و فساد مالی بدنه حاکمیت نظام، الحاد خاندان علوی از دید اسلام‌گرایان افراطی و تشدید مخالفت متعارضان با نظام حاکم همراه با افراطی‌گری دینی) و اجتماعی (مذهبی، قومی و فرقه‌ای و...) و عوامل بیرونی یعنی نقش و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و رقابت آن‌ها، جنبش بیداری اسلامی، نقش آفرینی عربستان برای جلوگیری از نفوذ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی ایران در منطقه، تضعیف جبهه مقاومت از جانب امریکا به نفع رژیم صهیونیستی، همپوشانی منافع امریکا، عربستان و ترکیه در خاورمیانه، نفوذ وهابیت در سوریه به رهبری عربستان سعودی و مقاومت اسلام‌گرایان

رادیکال در مقابل این حوادث که موجب محبوبیت اسلام‌گرایی افراطی شد، از ریشه‌ها و عوامل اصلی ایجاد بحران محسوب می‌شوند.

بر اساس مدل برچر مرحله دوم بحران مرحله‌ای است که مخاصمات به اوج رسیده و اوضاع وخامت پیدا می‌کند. بر این اساس بحران سوریه اکنون با تغییر سطح خشونت از مراحل ابتدایی به اوج در دومین مرحله بحران قرار دارد. در این مرحله عواملی چون تعدد بازیگران درونی و بیرونی، حملات تروریستی گسترده گروه‌های افراطی و گسترش حوزه اقدام این گروه‌ها به تمام جهان، افزایش تعداد گروه‌های تکفیری و سلفی در سوریه، اوضاع وخیم داخلی کشور، افزایش میزان آوارگان سوری، آمار مرگ‌ومیر بالا، تضعیف حاکمیت دولت بشار اسد و همچنین دخالت گسترده و همه‌جانبه بازیگران بیگانه نقش اولیه و اساسی را در ورود بحران به شرایط اوج دارند. مرحله سوم بحران بر اساس مدل برچر مرحله کاهش و افول بحران است که علاوه بر فرسایشی شدن و کاهش شدت وضعیت بحرانی در آن، تأثیرات و بازتاب‌های فراگیر بحران مورد توجه قرار می‌گیرد. این در حالی است که هرچند بحران سوریه هنوز به صورت آشکار وارد این مرحله نشده، اما نشانه‌های آن آشکار شده است. مهم‌ترین نشانه‌های این مرحله فرسایشی شدن و تلاش گسترده بازیگران مؤثر در بحران در قالب اجلاس‌ها و نشست‌ها است؛ بنابراین، فرسایشی شدن بحران از مهم‌ترین شاخصه‌های بحران سوریه در شرایط فعلی است. بعلاوه شاخصه دیگر آن این است که این بحران، دیگر بحرانی داخلی یا منطقه‌ای نبوده و تبدیل به بحرانی فرامنطقه‌ای و بین‌المللی شده است.

در یک نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت در صورت عدم اجماع جهانی برای مقابله با بحران و تلاش برای حل آن، در آینده نزدیک جهان آستان تحولات نوینی خواهد بود که از مرکز نزاع و کثرت مذهبی یعنی خاورمیانه فاصله گرفته و به سمت کشورهای اروپایی سوق بیشتری پیدا خواهد کرد. در این زمینه شکل‌گیری هویت مخدوش اجتماعی، بهره‌گیری از منافع نفت و گاز برای سرمایه‌گذاری و گسترش در عملیات تروریستی، کاهش قدرت دولت‌ها و بحران آوارگان که روندی رو به رشد داشته و کشورهای بسیاری مانند ترکیه و آلمان را با شرایط اضطراری مواجه کرده است، از مهم‌ترین تأثیرات این بحران فراگیر و فرسایشی در عرصه بین‌المللی هستند.

یادداشت‌ها

۱. بیست و پنجم تیرماه سال ۱۳۹۵ در نیس فرانسه.
۲. سوم فروردین ماه ۱۳۹۵ در فرودگاه بروکسل.
۳. چهارم تیرماه ۱۳۹۵ در فرودگاه آتاتورک استانبول.
۴. لواء التوحید یا تیپ توحید یکی از گروه‌های درگیر در جنگ داخلی سوریه است که نیرومندترین سازمان مخالفان اسد در شهر حلب و مناطق اطراف آن محسوب می‌شود.

۵. سازمانی شامل گروه‌های نظامی اسلامی و سلفی مخالف حکومت اسد که در مناطق مختلف کشور از جمله ادلب، حلب و دمشق مشغول نبرد در جنگ داخلی سوریه است.
۶. یکی از گروه‌های سلفی میانه‌رو درگیر در جنگ داخلی سوریه و از اعضای ائتلاف جبهه اسلامی است. این گروه از قدرتمندترین گروه‌های موجود در استان ادلب است.
۷. یک گروه اسلامگرا درگیر در جنگ داخلی سوریه است. این گروه بخشی از جبهه اسلامی (سوریه) می‌باشد که در استان حمص فعال است.
۸. انصار الشام یک گروه اسلامگرا درگیر در جنگ داخلی سوریه است، این گروه در استان لاذقیه و ادلب فعال است.
۹. جیش السلام به ائتلافی از گروه‌های اسلام‌گرا و سلفی گفته می‌شود که در جنگ داخلی سوریه درگیر هستند.
۱۰. جبهه اسلامی کرد فعال در مناطق کردنشین که مخالف تشکیل کردستان مستقل است.

کتاب‌نامه

الف- کتاب

۱. برچر، مایکل، ۱۳۸۲، بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران‌ها، ترجمه فردین قریشی، جلد اول، تهران: مرکز پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. برچر، مایکل، ۱۳۹۲، بحران در سیاست جهان، ترجمه علی بلوچی، جلد دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. برچر، مایکل؛ ویلکنفلد، جاناتان، ۱۳۸۲، بحران، تعارض، ترجمه علی صبحدل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. روحانی، حسن، ۱۳۸۸، آشنایی با کشورهای اسلامی، جلد اول، تهران: نشر مشعر.
۵. فرازمند، محمد، ۱۳۸۸، ایران و مناسبات جدید قدرت در خاورمیانه، در ایران و اعراب، پژوهش ۲۱، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۶. کی. جی. هالستی، ۱۳۸۳، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۷. هنسن، برت؛ تافت، پتر؛ ویول، آندره، ۱۳۹۰، راهبردهای امنیتی و نظم جهانی امریکایی «قدرت از دست‌رفته»، ترجمه دکتر سید امیر نیاکویی و دکتر احمد جانسیر، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

ب- مقالات

۸. آجورلو، حسین، (۱۳۹۰)، «تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال هجدهم، شماره سوم، صص ۵۵-۷۷.

۹. پورحسین، ناصر، (۱۳۹۱)، «آثار بحران سوریه بر مسئله فلسطین»، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۱۸، صص ۷-۳۶.
۱۰. التیامی نیا، رضا، (۱۳۹۲)، «تبیین نقش قدرت‌های منطقه‌ای در منطقه شامات و چشم‌انداز پیش رو»، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۶۳-۹۴.
۱۱. جانسیز، احمد؛ بهرامی‌مقدم، سجاد؛ ستوده، علی، (۱۳۹۳)، «رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۶۷-۹۲.
۱۲. جوادی فتح، سارا، (۱۳۸۴)، «سوداهای ایالات متحده در طرح خاورمیانه بزرگ»، مجله راهبرد، شماره ۳۵، صص ۲۳-۳۹.
۱۳. حاتمی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل (علوم سیاسی و روابط بین‌الملل)، شماره ۳۰، صص ۱۴۷ - ۱۶۹.
۱۴. خلیلی، محسن؛ سلیمانی‌پور، زهرا؛ عشرتی خلیل‌آباد، فهمیه، (۱۳۹۲)، «بررسی بحران آذربایجان بر پایه مدل مدیریت بحران برچر»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۵۵، صص ۱۴۷-۱۸۴.
۱۵. خیبری، کابک؛ ملاقدیمی، علیرضا؛ رهگوی، محمد، (۱۳۸۹)، «کالبدشکافی بحران گرجستان بر اساس مدل مایکل برچر»، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، شماره ۴۵، صص ۹-۴۶.
۱۶. رجبی، سهیل، (۱۳۹۱)، «واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی»، فصلنامه پانزده خرداد، شماره ۳۴، صص ۱۲۳-۱۵۰.
۱۷. زارعان، احمد، (۱۳۹۴)، «موانع تشکیل دولت ملی در سوریه، مطالعات راهبردی جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۲، صص ۵-۳۴.
۱۸. ساجدی، امیر، (۱۳۹۲)، «بحران سوریه و دخالت قدرت‌های بیگانه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۲۴، صص ۱۵۷-۱۹۰.
۱۹. سردارنیا، خلیل‌الله؛ کیانی، فائزه، (۱۳۹۵)، «تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف اجتماعی»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۲.
۲۰. سلطانی‌نژاد، احمد؛ ابراهیمی، نبی‌الله؛ نجفی، مصطفی، (۱۳۹۵)، «منافع و ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۰۱-۱۳۰.
۲۱. صادقی، سید شمس‌الدین؛ لطفی، کامران، (۱۳۹۴)، «تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، شماره اول، صص ۱۲۳-۱۴۴.
۲۲. صادقی، سید شمس‌الدین؛ لطفی، کامران، (۱۳۹۴)، «تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، صص ۱۲۳-۱۴۴.

۲۳. منصوری، محمدحسین، (۱۳۹۲)، «بررسی مواضع و اهداف روسیه در بحران سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های علوم انسانی، شماره ۳۱، صص ۱۷۵-۱۹۵.
۲۴. موسوی‌زاده، علی، (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی و ریشه‌شناسی بحران سوریه»، فصلنامه علوم اجتماعی روابط فرهنگی، شماره دوم، صص ۵۰-۵۴.
۲۵. نجات، سید علی، (۱۳۹۴)، «گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه سیاست دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۶، صص ۱۰۳-۱۱۹.
۲۶. نیاکویی، سید امیر؛ بهمنش، حسین، (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۹۷-۱۳۵.
۲۷. نصر، وسیم، (۱۳۹۳)، «نقش القاعده در مناقشه سوریه»، ترجمه: فرزاد محمدزاده، ماهنامه چشم‌انداز ایران، شماره ۷۸، ص ۱.

ج- اینترنتی

۲۸. خبرگزاری فارس، (۱۳۹۵/۱/۳)، «انفجارهای هماهنگ در بروکسل/۳۰ کشته»، ۱۳۶ زخمی»، شماره خبر: ۳۰۰۰۱۸۲.
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950103000182>
۲۹. سراج، رضا، (۱۳۹۲/۷/۱۵)، «نگاه راهبردی به پشت پرده بی‌ثبات‌سازی سوریه»، مرکز آینده‌پژوهی و مطالعات راهبردی تابان
<http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=1927>
۳۰. وب‌سایت عصر ایران، (۷ آبان ۱۳۹۴)، «آوارگان سوریه به روایت آمار و ارقام» شماره خبر: ۴۲۷۴۳۱
<http://www.asriran.com/fa/news/427431>

د- انگلیسی

31. Baroud, Ramzy. October 6, 2011. The Syrian Uprising: U.S. Follows a Failed Path- <http://goo.gl/UwXshz>
32. Bolton, K. R (2011). "Iran: The Next Domino?", Foreign Policy journal, February 22, 2011 <http://bit.ly/1TulHZA>
33. Brecher, Michael (1977). "Toward a theory of International Crisis Behaviour", International Studies Quarterly, Volume 21, Issue 1.
34. Brecher, Michael (1979). "State Behavior in International Crisis", Journal of Conflict Resolution, Vol.23, No.3, 446-480.
35. Brisard, Jean. Martinez, Damien (2015). Islamic State: The Economy-Based terrorist finding, Reflect the official Policy or Position of Thomson Reuters, Foreign Policy Journal, January 29.

36. Chossudovsky, Michel (2011). "The Destabilization of Syria and the Broader Middle East War". Global Research Website, June 17, 2011. Link: <http://bit.ly/1XaweH8>
37. Ethnicity and Race by Countries (2016). World, countries, link: <https://goo.gl/cPb8q>
38. Joscelyn, Tomas (2013). "The long war Journal, Al-Qaeda in Iraq Al-Nusra Front emerges as rebranded single entity", Long War Journal, April 9. Link: <http://bit.ly/1rtfUVn>
39. Kfir, Isaac (2015) Social Identity Group and Human (In) Security: The case of Islamic (ISIL), Studies in Conflict & Terrorism, 38(4):1-20. DOI: 10.1080/1057610X.
40. Research unit of umaa-advocacy, 2014, The Crisis in Iraq, An Analysis of the Islamic State of Iraq and Levant (ISIL) with U.S. Policy Recommendations in Iraq, 5-46.
41. United Nations High Commissionaire for Refugee's Official website (September 2016). "Syria Regional Refugee Response", Link: <https://goo.gl/ymsaSC>
42. Vinatire, Laurent (2014). Foreign Jihadism in Syria, The Islamic State of Iraq and al-sham, p:5.
43. Weis, Michel; Hassan, Hassan (2014). ISIS, Inside the Army of Terror, Regan Arts, New York.